



آسیب‌شناسی سیاست کیفری ایران در حوزه جرایم اقتصادی

علیرضا باوی^۱
رجب گلدوست جویباری^۲
حسین غلامی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۹۸/۰۷/۳۰ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۸/۱۱/۲۳

چکیده

امروزه به موازات آثار زیانبار جرایم اقتصادی و با نظر به ارشادات اسناد بین‌المللی مختلف، سیاست کیفری در بُعد مقررات مرتبط و رویه قضایی با جنبه‌های نوینی روبه‌رو شده است. گسترش بازنمایی رسانه‌ای پرونده‌های کیفری مبتنی بر برخورد کیفری قاطعانه با مجرمان اقتصادی و اطلاق عناوین مفسدان اقتصادی و همچنین تکرر مقررات در این حوزه، باعث شده است که مجال بحث مهم علمی و آسیب‌شناسانه از وضعیت موجود این مبارزه و جهت‌گیری آن دوچندان شود. این مطالعه‌ی آسیب‌شناسانه در مقاله حاضر بر دو سوال مهم مبتنی است که در حال حاضر سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی چه ویژگی‌هایی دارد و چه باید‌هایی برای اثربخشی دوچندان این سیاست قابل‌شناسایی است؟ هدف از آسیب‌شناسی ارائه راه‌حلی برای نظام مند ساختن و قوی‌تر نمودن نوع سیاست کیفری بومی نظام قضایی ایران است. به نظر می‌رسد که ویژگی‌هایی چون عدم انسجام مقررات، مقطعی و عوام‌گرایی و عدم توسل به مطالعات علمی از جمله آسیب‌های سیاست کیفری در مبارزه با جرایم اقتصادی باشد و در راستای رفع آنها تلاش در جهت طرح و تصویب قانون جامع مبارزه با جرایم اقتصادی که بتواند با مشخص ساختن مدل سیاست کیفری، تنوع بخشی به واکنش‌های کیفری و غیرکیفری، ورود نگاه مدیریتی و اداری به مقوله‌ی این سیاست و در نهایت تأمین سیاست کیفری افتراقی در رفع چالش‌های گسترده‌ی موجود در مقابله با این جرایم موثر واقع شود. به علاوه اینکه سیاست کیفری ناظر به این

^۱ دانشجوی دکتری تخصصی، گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، واحد امارات متحده عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، دبئی، امارات متحده عربی. (Alireza.bavi@yahoo.com)

^۲ دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران استاد راهنما و نویسنده مسئول. (rajabgoldoust@yahoo.com)

^۳ دانشیار گروه حقوق کیفری و جرم‌شناسی، هیأت علمی دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (استاد مشاور). (Gholami1970@yahoo.com)

جرایم باید به شکل کل نگر و فراموضوعی تدوین گردد، لذا تک بُعدی این سیاست کیفری به مانند آنچه در طرح کنونی مبارزه با جرایم اقتصادی نمود یافته است نمی تواند راه حل کیفری موثری تلقی گردد.

کلید واژه‌ها

جرم اقتصادی، سیاست کیفری، ویژگی سیاست کیفری قضایی، آسیب شناسی حقوقی.

مقدمه

جرایم اقتصادی، اصطلاحی عام برای طیف وسیعی از جرایم است، عنوانی که توانسته است به رغم تفاوت قابل توجه بسیاری از عنوان زیرمجموعه‌ی خود، همه را تحت شمول خود درآورد. این جرایم گاه برخی از جرایم علیه اموال هستند، گاه برخی از مصادیق جرایم علیه امنیت، گاه با تعبیری دیگر جرایم علیه آسایش، جرایم علیه دولت و یا جرایم علیه سلامت را شامل می‌شوند. حمایت کیفری از نظام اقتصادی کشور به عنوان هدف اساسی توجیه‌کننده آن و همچنین گستره‌ی بی حد و حصر پیامدهای اجتماعی این مصادیق، آنها را در زمره جرایم غیرقابل گذشت قرار می‌دهد که عطف به مقررات، نظام سیاسی-قضایی تعیین‌کننده‌ی جنبه‌های مختلف شروع، تداوم و یا خاتمه فرآیند رسیدگی به این جرایم است. در نظام کیفری ایران انواع جرایم اقتصادی از جمله پولشویی، اخلاف در نظام اقتصادی کشور، قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، اختلاس، تبانی در معاملات دولتی، جرم‌انگاری شده‌اند، بی آنکه در میان این جرایم قائل به طبقه بندی جرایم شدید و خفیف اقتصادی شده باشد. محور مهم بحث مقاله‌ی حاضر، یعنی تبیین جهت گیری سیاست کیفری و آسیب شناسی سیاستی که در حال حاضر در کشور در حال پیاده‌سازی است. این سیاست، با درخواستی که رئیس سابق قوه قضائیه از رهبری در رابطه با برخورد کیفری قاطعانه با مفسدان اقتصادی، وارد مرحله جدیدی شده است (استجازه از مقام معظم رهبری که در تاریخ ۲۰ / ۵ / ۹۷ از سوی رهبر تأیید می‌شود). زیرا در قالب این دستورالعمل، رویکرد سیاست کیفری با تحول در دادرسی کیفری ناظر به مفسدان اقتصادی، این سیاست را بسیار شناور ساخته و به تعبیری هدف مقابله‌ی سخت گیرانه توجیه قابل قبولی برای تمام فرآیندهای سیاست کیفری و تغییر روزآمد آن تلقی می‌گردد. پس از آن آئین نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلافگران در نظام اقتصادی کشور مصوب آبان ۱۳۹۷ رئیس‌جمهوری را در سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی ترسیم می‌نماید و به نظر می‌رسد که نظام مند ساختن برخی حوزه‌ها در آن قابل توجه باشد. باتوجه به اینکه اقدامات نظام‌مندی در جهت مقابله با ریشه‌های فساد اقتصادی صورت نگرفته است، لذا رویکرد قضایی به مقابله‌ی شدید کیفری با این پدیده برمی‌آید و از طریق ایجاد نوعی ارباب عام و خاص در صدد بازدارندگی و کاهش وقوع مصادیق جرایم اقتصادی

برمی‌آید. بنابراین به نظر می‌رسد که علاوه بر مبانی حمایت کیفری سخت گیرانه از رفتارهای مخل نظام اقتصادی، می‌توان مبانی سیاسی احیای اعتماد به قوه قضائیه و نظام حاکمیت را توجیه کننده این دستورالعمل دانست. نکته‌ی مهم آن است که اگرچه از زمان دستورالعمل فوق‌الذکر، رسیدگی قضایی و توجه به مقابله کیفری این جرایم شدت، سرعت و توسعه قابل توجهی پیدا می‌کند، اما تحلیل‌های موردنظر، صرفاً محدود به این مقرره نبوده است، زیرا پیش از آن نیز این سیاست کیفری در بُعد قضایی خود به طور خاص با تولد مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی^۲ در سال ۱۳۸۱ و بسیاری از مقررات قبل و بعد از آن محوریت اجرایی داشته است. لذا می‌توان این دستورالعمل را نوعی عامل تفکیک کننده‌ی میان جرایم اقتصادی در حد افساد فی‌الارض و جرایم اقتصادی مادون افساد تلقی نمود و آن را عاملی برای روشن تر ساختن دوگانگی یا چندگانگی سیاست کیفری داشت. بر این اساس، بحث آسیب‌شناختی از سیاست کیفری در دو قسمت ابتدا به ویژگی‌های سیاست کیفری و سپس بایسته‌های سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی پرداخته می‌شود. به بررسی هست‌ها و بایدها می‌پردازد و جهت‌گیری تحلیل‌های نظری و قضایی چنین خواهد بود که سیاست کیفری را به عنوان عامل روبنایی مقابله با جرایم اقتصادی، در قالب هرآنچه باید باشد موضوع بررسی قرار دهد.

۱- ویژگی‌های سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی

با نظر به مقررات کیفری و پیراکیفری مرتبط با مقابله با جرایم اقتصادی از یک سو و همچنین نظر به سیاست عملی اقدام در سیاست کیفری ناظر به این جرایم ویژگی‌هایی را استخراج نمود. این ویژگی‌ها به شکل تحلیلی- انتقادی در این قسمت به بحث گذاشته می‌شوند.

۱-۱ پراکندگی تقنینی در حوزه جرایم اقتصادی

^۱ این امر باعث تشکیل دادگاه‌های رسیدگی به جرایم اقتصادی در استان‌هایی چون اصفهان (آبان ماه ۱۳۹۷) و هرمزگان (در بهمن ماه ۱۳۹۷) شد.

^۲ مجتمع قضایی ویژه امور اقتصادی در راستای فرمان هشت ماده‌ای مقام معظم رهبری مبنی بر مبارزه قاطع، سریع و دقیق با مفاسد اقتصادی و با یک سازوکار افتراقی به موجب دستورالعمل ابلاغی از سوی رئیس وقت قوه قضائیه در سال ۱۳۸۱ تاسیس شده است. در ابتدا این مجتمع شامل دادسرا، دادگاه بدوی (اعم از دادگاه عمومی و دادگاه انقلاب)، دادگاه تجدیدنظر و در یک بازه زمانی کوتاه یک شعبه دادگاه کیفری استان و همچنین واحدهای اداری لازم به انضمام دفتر حمایت از سرمایه‌گذاری، روابط عمومی و ... بوده است. این مجتمع مستقیماً زیر نظر رئیس کل دادگستری استان اداره می‌شود و صلاحیت آن رسیدگی به جرایم کلان اقتصادی با مبلغ ده میلیارد ریال و بالاتر - که جزو اصلی‌ترین مأموریت‌های آن است - و به‌صورت تخصصی به بزه پولشویی و جرایم ارتكابی در حوزه بازار سرمایه (بورس) که جزو پیچیده‌ترین و تأثیرگذارترین جرایم در بخش اقتصادی است رسیدگی می‌نماید.

جرایم اقتصادی، از یک سو، به مثابه دغدغه زندگی مدرن، به یکی از چالش‌های نظام‌های عدالت کیفری تبدیل شده است و از سوی دیگر، رشد فناوری اطلاعات و ارتباطات در کنار پدیده جهانی شدن، به رشد روزافزون این جرایم کمک کرده است. به اعتقاد برخی از متخصصان این حوزه، جرم اقتصادی گستره فراوانی دارد و تعریف آن، به سادگی امکان‌پذیر نیست. به زعم برخی دیگر، جرایم اقتصادی به طیفی گسترده از رفتارهای غیرقانونی بر ضد نظام اقتصادی گفته می‌شود که عموماً مصادیق آن بسته به نوع نظام اقتصادی و حتی گونه حاکمیتی، متفاوت است. بعضی دیگر، برای باورند که این جرایم در اصطلاح عبارت‌اند از جرائمی که علیه اقتصاد کشور ارتکاب می‌یابند یا به این قصد انجام یا در عمل موجب اختلال در نظام اقتصادی کشور می‌شوند (حق پناهان، ۱۳۹۲). بر این اساس، در قلمروی جرم‌شناسی و جامعه‌شناسی، جرم اقتصادی با تعاریف مختلفی همراه بوده است و بر مبنای این معیارهای مختلف، تعاریف متفاوتی ارائه شده است. قانون‌گذار ایران در قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲، بدون تعریف جرم اقتصادی، با بر شماری برخی از عناوین مجرمانه، این اعمال را از مصادیق جرایم اقتصادی دانسته است. بر اساس ماده ۳۶ قانون فوق الذکر، جرایم اقتصادی عبارت‌اند از: "رشاء و ارتشاء، اختلاس، اعمال نفوذ برخلاف حق، مداخله کارکنان دولت در معاملات دولتی، تبانی در معاملات دولتی، اخذ پورسانت، تعدیات مأموران دولتی، جرایم گمرکی، قاچاق کالا و ارز، جرایم مالیاتی، پولشویی، اخلال در نظام اقتصادی و تصرف غیرقانونی در اموال دولتی". گرچه برشماری جرایم اقتصادی در قانون جدید، نوعی ابتکار به شمار می‌رود، اما به نظر می‌رسد که توجه مقنن در تعریف جرایم اقتصادی، معطوف به جرایم اقتصادی کارگزاران حکومتی و عدم توجه به جرایم اقتصادی شرکت‌ها بوده است؛ زیرا جرائمی دیگر همچون جرایم علیه حقوق مصرف‌کننده، سرقت اسرار تجاری و ... که در بطن شرکت‌های تجاری ارتکاب می‌یابند، نیز در زمره جرایم اقتصادی هستند. با وجود این، جرایم اقتصادی شرکت‌ها، به سه نوع مهم تقسیم می‌شود: جاسوسی صنعتی، اقتصادی، کلاهبرداری شرکتی و فرار از مالیات. به اعتقاد برخی نیز عدم تعریف جرم اقتصادی به خودی خود امری معمول و فاقد ایراد است (خدائیان چگنی، ۱۳۹۱، ص ۳۲).

تفکیک لازم دیگری که باید ارائه نمود این است که میان جرایم کسب و کار و جرایم

اقتصادی باید قائل به تفکیک برآمد. اعتقاد ما بر این است که جرایم اقتصادی^۱ در ایران همان وسعتی را دارد که جرایم حوزه‌ی کسب و کار در حقوق فرانسه از آن برخوردار است. زیرا به اعتقاد نویسندگان فرانسوی از یک طرف جرایم اقتصادی تحت عنوان جرایم کسب و کار قرار می‌گیرند و از طرف دیگر تفاوت عملی میان حقوق کیفری کسب و کار و حقوق کیفری اقتصادی وجود ندارد (ابراهیمی و صادق نژاد نائینی، ۱۳۹۲) این در حالی است که در ایران، جرم اقتصادی بودن به مبنایی برای برخورد شدیدتر تبدیل شده است و مجال هر نوع ارفاقی را از بین برده است. اما همانطور که پیش از این بر ضرورت مقابله‌ی دقیق و کنترل کیفری نظام‌مند تأکید شده است، نمی‌توان جرایم کسب و کار را مضمول همان نظام پاسخ‌دهی جرایم اقتصادی دانست و حتی به لحاظ مفهومی نیز برخی معتقدند که جرایم اقتصادی مفهومی گسترده‌تر از جرایم کسب و کار دارد (میرسعیدی و زمانی، ۱۳۹۲، ص ۱۶۹). هرچند این نظر، به طور کلی و از حیث عدم توجه به گستردگی جرایم کسب و کار واجد ایراد است، اما می‌تواند الهام بخش لزوم تفاوت در سیاست کنترل کیفری میان جرایم اقتصادی و جرایم کسب و کار باشد. با نظر به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرایم اقتصادی، به استناد بند ج ماده ۴۷ از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و به استناد بند ب ماده ۱۰۹ از شمول مرور زمان مستثنی هستند. علاوه بر این، می‌توان تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا مبنی بر انتشار حکم محکومیت^۲ را تا اندازه‌ی بر مبنای عدم ارفاق به جرایم اقتصادی دانست. این عدم ارفاق‌گرایی را می‌توان در قالب ملاحظاتی چون حاکمیت رویکرد امنیت مدار^۳ نسبت به جرایم اقتصادی توجیه نمود. با توجه به همین امر و لزوم تفکیک مفهومی و عملی از جرایم کسب و کار با جرایم اقتصادی، می‌توان عدم لزوم تفکر امنیت مدار نسبت به جرایم کسب و کار را برداشت نمود. از همین رو به نظر می‌رسد می‌توان نوعی افتراقی شدن انتشار حکم محکومیت در مصادیق مختلف جرایم اقتصادی را پیشنهاد داد و به موجب آن هر رفتار اشخاص حقیقی و یا حقوقی مشمول موارد مقرر انتشار حکم نگردد.

۱. در تعاریف رایجی که از جرایم اقتصادی شده است به «رفتارهای غیرقانونی بر ضد نظام اقتصادی» و یا رفتار به انگیزه‌ی تحصیل مزایای اقتصادی اطلاق شده است. برای مطالعه‌ی بیشتر ر.ک (توسلی، ۱۳۹۲)

۲. از جمله بدیهیات حقوق کیفری کسب و کار این است که انتشار حکم محکومیت نوعی خدشه به اصل اعتماد و روابط مشتریان با شرکت خاطی قلمداد می‌شود (جعفری، ۱۳۹۳، ص ۱۲۳)

۳. تأمین نظم و امنیت عمومی و ایجاد ثبات دایمی در حاکمیت سیاسی، منفعتی اولویت دار و مهم است که دغدغه قانون‌گذاران را در دهه‌های اخیر در راستای گسترش تضمینات در تمامی مراحل دادرسی و نیز پرهیز از جرم‌انگاری حداکثری از یاد برده است. (مجیدی، سید محمود، ۱۳۸۸، ص ۳۲۷)

چنانچه تعریف با تعیین مصادیق زیرمجموعه جرایم اقتصادی به طور جامع بیان گردد آن گاه مقرراتی که بنا بر وضع یا تنقیح آن‌ها تحت عنوان قانون جامع جرایم اقتصادی است مشخص‌تر می‌شود. زیرا از جمله مولفه‌های مهم سیاست کیفری نظام‌مند داشتن منابع مشخص قانونی در مبارزه با جرایم اقتصادی است. لذا وقتی این منابع مشخص باشند نه تنها عملکرد سیاست کیفری از تشتت و تفاوت عملی مبرا می‌شود، بلکه اهداف مورد نظر با سیاستی یکسان پی‌گرفته می‌شوند. این در حالی است که در حال حاضر جرایم اقتصادی و سیاست کیفری و پیراکیفری آنها در نظم کنونی حقوقی کشورمان در مقررات مختلفی نمود یافته است.^۱

^۱ اهم آنها عبارتند از:

- رهنمودهای امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) به دست اندرکاران قضایی کشور در تاریخ ۲۴/۹/۱۳۶۰؛
- فرمان رهبر معظم انقلاب در خصوص تشکیل ستاد مبارزه با مفاصد اقتصادی و مالی در تاریخ ۱۰/۲/۱۳۸۰؛
- فرمان مهم رهبر معظم انقلاب به رؤسای قوا برای مبارزه همه جانبه با فساد مالی و اقتصادی در تاریخ ۲۰/۶/۱۳۸۰؛
- قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران؛
- قانون مجازات تبانی در معاملات دولتی مصوب ۱۳۴۸؛
- مقررات جزایی قانون دیوان محاسبات، قانون تشدید مجازات جاعلان اسکناس و واردکنندگان و توزیع کنندگان و مصرف کنندگان اسکناس مجعول؛
- قانون مجازات مرتکبان قاچاق، قانون تعزیرات حکومتی؛
- ب رخی از مواد قانون مجازات اسلامی - تعزیرات (مصوب ۱۳۷۵)؛
- قانون ممنوعیت دولت از مذاکره و عقد قرارداد راجع به امتیاز نفت با خارجیها، مصوب ۱۱ آذر ۱۳۲۳؛
- قانون منع مداخله وزراء و نمایندگان مجلسین و کارمندان در معاملات دولتی و کشوری، مصوب ۱۳۳۷؛
- قانون مربوط به رسیدگی به داریی وزراء و کارمندان دولت اعم از کشوری و لشکری و شهرداری‌ها و مؤسسه‌های وابسته به آنها، مصوب ۱۳۳۷؛
- قانون ممنوعیت دریافت پورسانت در معاملات خارجی، مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲؛
- قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری، مصوب ۱۳۷۸؛
- قانون الحاق دولت جمهوری اسلامی ایران به کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد، مصوب ۲۱/۳/۱۳۸۵ مجلس شورای اسلامی؛
- برنامه ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با مفاصد (موضوع مصوبه شماره ۳۷۹۹۵/ت/۲۸۶۱۷ هـ تاریخ ۲۵/۱۲/۱۳۸۲)؛
- ابلاغیه حکم شماره ۱۷۶۳۳۶ مورخ ۹/۵/۱۳۸۸ رییس جمهوری متضمن مأموریت و وظایف معاونت حقوقی رییس جمهوری؛
- ابلاغیه شماره ۲۳۶۳۶۲ مورخ ۱۷/۱۲/۱۳۸۷ رییس جمهوری متضمن اعلام وظایف کارگروه «ارتقای شفافیت عملکرد و گزارش‌های مالی دستگاه‌های اجرایی» و شیوه نامه تشکیل جلسات و احراز وظایف کارگروه یادشده، مصوب ۱۶/۱/۱۳۸۸؛
- قانون مجازات اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، مصوب ۲۹/۹/۱۳۱۵؛
- قانون منع خرید و فروش کوپن‌های کلای اساسی، مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷؛
- قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان، مصوب ۲۵/۱/۱۳۶۷؛
- قانون تشدید مجازات مرتکبان اختلاس و ارتشا و کلاهبرداری، مصوب ۱۵/۹/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام؛

کیفیت بخشی به مقررات ناظر به جرایم اقتصادی را می‌توان در کنار انسجام بخشی به آن مقررات و مقابله با پراکندگی آنها مورد توجه قرار داد. اهمیت جرایم اقتصادی از یک سو بر اهمیت کیفی سازی مقررات^۱ تأکید دوچندانی خواهد بود و علاوه بر آن نباید ضرورت مقابله حداکثری با این جرایم را عاملی برای تکثیر مقررات و وضع روزانه مقررات مرتبط دانست. یکی دیگر از مولفه‌های مهم در بستر این آسیب شناسی قانونی از سیاست کیفری این است که به لحاظ حقوقی اصولاً قانون تعیین کننده سیاست کیفری ناظر به جرایم مهمی چون جرایم اقتصادی است، اما بخشنامه و دستورالعمل بر دور شدن دوچندان سیاست کیفری از اصول مورد پذیرش حقوق کیفری منتهی می‌شود^۲ اخیراً طرح مبارزه با جرایم اقتصادی نیز بدون تجمیع مقررات کیفری

- قانون شمول اجرای قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی در مورد ثروت های ناشی از احتکار و گرانفروشی و قاچاق ، مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۶۸؛
- قانون مجازات اخلال گران در نظام اقتصادی کشور، مصوب ۱۹/۹/۱۳۷۲ و اصلاحی ۱۳۸۴؛
- قانون ممنوعیت تصدی بیش از یک شغل دولتی، مصوب ۲۰/۶/۱۳۷۳؛
- قانون نظارت بر مسافرت های خارجی کارکنان دولت ، مصوب ۲۰/۶/۱۳۷۳؛
- قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام ؛
- قانون نحوه انتشار اوراق مشارکت، مصوب ۳۰/۶/۱۳۷۶؛
- قانون نظام صنفی، مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ مجلس شورای اسلامی؛
- قانون برگزاری مناقصات ، مصوب ۱۳۸۳؛
- قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران ، مصوب ۱/۹/۱۳۸۴.
- قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد مصوب ۱۳۹۰
- ماده ۲۸۶ قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲^۱؛
- قانون امور گمرکی، مصوب ۱۳۹۲؛
- قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ اصلاحی ۱۳۹۴؛

^۱ Quality Principle Instead of Principle Legality of Crimes

^۲ به گزارش میزان، آیت‌الله صادق آملی لاریجانی با بیان اینکه برای اتقان در رسیدگی‌ها پیشنهاد کردیم که ۳ قاضی با حداقل ۲۰ سال سابقه کار قضایی به این پرونده‌ها رسیدگی کنند، این موضوع را پاسخی به دغدغه مقام معظم رهبری و مردم در زمینه اتقان رسیدگی‌ها و عادلانه بودن آنها برشمرد و تصریح کرد: تأکید ما بر این است که این قضات از میان قضات شریفی انتخاب شوند که رویه و سوابق آرای آنها حاکی از اتقان در رسیدگی‌هاست. غلامحسین محسنی‌اژه‌ای، معاون اول و سخنگوی قوه قضاییه نیز در حاشیه نشست مسئولان عالی قضایی تصریح کرد: روز یکشنبه مقرر شد که حداقل در مرحله ابتدایی دادگاه ویژه برای رسیدگی به این موضوعات تشکیل شود که بحمدالله قضات این دادگاه‌ها معرفی شدند و ابلاغ تعدادی از آنها صادر شد و تا عصر امروز (دوشنبه) الباقی ابلاغ‌ها نیز صادر می‌شود و در نخستین فرصت کار خود را شروع می‌کنند. محسنی اژه‌ای ادامه داد: در جلسه امروز برخی آقایان پیشنهاد دادند که شاید احیانا نیاز به یک دستورالعمل موقت هم باشد که در این خصوص به معاونت حقوقی دستور داده شد هرچه سریع‌تر این دستورالعمل را تهیه کند که البته شروع کار دادگاه‌ها متوقف بر این دستورالعمل نیست و جنبه ارشادی و احتیاطی دارد (سه شنبه ۲۶ مرداد ۱۳۹۷)

<http://newspaper.hamshahri.org/id/26933/>

پیش از خود بر درهم شکنی بسیاری از اصول حقوقی افزوده است. لذا بدیهی است که می‌بایست اساسی‌ترین کارکرد این طرح ساماندهی مصادیق این جرایم و تنقیح تمامی مقررات پیش از خود باشد (همچنین برای مطالعه بیشتر ر.ک خواجه نوری و موسوی، ۱۳۹۷، صص ۱۲۱-۱۱۹). با نظر به آخرین نسخه ای که به طرح مبارزه با جرایم اقتصادی موسوم است، می‌توان شاهد بود که هیچ توجه و اهمیتی به ساماندهی مقررات پیشین صورت نگرفته است. به علاوه آنکه، حتی می‌توان چنین اظهارنظر کرد که خود قانون اضافه ای بر بدنه‌ی مقررات کشور تلقی خواهد شد، زیرا در مقررات انتهایی آن^۱ و همچنین مواد اولیه آن در رابطه با وظایف سازمان، دامنه‌ی قانونی مشخص نشده است.

۲-۱ امنیت محوری در سیاست کیفری مقابله با جرایم اقتصادی

تامین نظم و امنیت عمومی و ایجاد ثبات دایمی در حاکمیت سیاسی، منفعتی اولویت دار و مهم است که دغدغه قانون گذاران را در دهه‌های اخیر در راستای گسترش تضمینات در تمامی مراحل دادرسی و نیز پرهیز از جرم انگاری حداکثری از یاد برده است (مجیدی، ۱۳۸۸، ص ۳۲۷). از سال ۱۹۴۵ میلادی، ایده امنیت اقتصادی جایگاه والایی در دستور کار نظام‌های سیاسی یافته است و همه آنها تلاش کرده اند که برای شهروندان خویش امنیت اقتصادی را تامین نمایند. این بُعد از امنیت، پس از جنگ سرد اهمیت روز افزونی یافت و دانش پژوهان و سیاستگذاران، ضمن تأیید ارتباط امنیت اقتصادی با ایمنی جامعه، بدنبال راه‌های جدیدی جهت وارد نمودن موضوعات اقتصادی، در راهبردهای سنتی دفاعی بوده‌اند. همچنان‌که بسیاری از کشورهای جهان سوم از شعار تامین اقتصادی برای اصلاح موقعیت نامساعد خود بهره گرفته و می‌گیرند. ۲ از سویی در عرصه بین‌المللی، استفاده از امکانات اقتصادی به عنوان یک اهرم کارساز، هم باعث ایجاد آسیب پذیری بیشتر دولت‌ها و هم رشد افزون‌تر اهمیت موضوع امنیت اقتصادی گشته است. زیرا با جهانی شدن اقتصاد و افزایش همبستگی اقتصادی واحدها، دول بیش از هر زمانی برای تأمین نیازمندی‌های خود به یکدیگر وابسته هستند. نظام‌های سیاسی در حال حاضر ضمن دنبال نمودن راهبردهای خود کفایی اقتصادی ملی، ضرورت امنیت اقتصادی

^۱ بلکه صرفاً به ماده ۵۰ و تعیین زمان تسری قواعد این قانون نسبت به جرایم مبتنی بر اخلاق در نظام اقتصادی اشاره شده است.

مبتنی بر راهبردهای وابستگی متقابل جهانی را نیز به شدت دنبال می‌کنند.^۱ توجه دوچندان به امنیت اقتصادی که خود ارتباط قابل ملاحظه‌ای با رویکردهای سیاسی دارد به سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی جهت خاصی می‌بخشد. بر این اساس، تأمین امنیت در کشور نباید صرفاً تحت تأثیر ملاحظات سیاسی باشد، زیرا این امر باعث شود که هدف سیاست کیفری در مبارزه با جرایم اقتصادی نیز سیاسی گردد. سیاسی شدن تأمین امنیت در برابر جرایم اقتصادی می‌تواند آثار مخربی را در پی داشته باشد که از جمله مهم‌ترین آنها مصلحتی شدن مقابله با برخی از جرایم اقتصادی و معاف دانستن برخی مرتکبان از این سیاست کیفری می‌باشند. لذا پیشنهاد می‌شود که در این قالب، سیاست تا اندازه‌ی کنترل شده‌ی وارد رویکرد تأمین امنیت اقتصادی در برابر جرایم اقتصادی بشود تا مقبولیت اقدامات سیاستگذاران کیفری با انگ‌ها ناروا همراه نگردد.^۲

۳-۱- غلبه عوام‌گرایی کیفری در مقابله با جرایم اقتصادی

عوام‌گرایی کیفری در دهه‌های اخیر سیاست کیفری بسیاری از کشورها را تحت تأثیر قرار داده است. در نتیجه حاکمیت رویکرد عوام‌گرایی کیفری، سیاستگذاران کیفری تلاش می‌کنند طرح‌هایی را تدوین و اجرا کنند که مورد پسند عامه مردم باشند و نه همسو با یافته‌های علمی. رسانه‌ای شدن جرم، افزایش ترس و ناامنی، ناامیدی نسبت به الگوهای اصلاح و درمان، و تشدید رقابت‌های انتخاباتی، مهم‌ترین بسترهای ظهور عوام‌گرایی کیفری هستند (فرجیها و مقدسی، ۱۳۹۰، ص ۱۱۳). بدیهی است که چند بعدی بودن جرایم اقتصادی ظهور چنین سیاست عوامانه-ای را بسیار ممکن و محتمل می‌نماید. این رویکرد با ارائه تصویری خطرناک از مجرمان اقتصادی

^۱ می‌توان استنتاج کرد که امنیت اقتصادی همان شرایط حیاتی اقتصادی بوده و عبارتست از برقراری نظم بین عوامل اساسی تهیه مایحتاج معیشتی انسان یعنی منابع اولیه، تولید، توزیع کار و درآمد اعضای جامعه، بطوریکه نیازهای ضروری آنها تأمین شود و آنها از فقدان و یا حتی احتمال فقدان این ضروریات احساس خطر ننموده و آرامش و آسایش آنها سلب نگردد. در همین راستا قانون اساسی ج.ا. هم دولت را موظف به پی ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه، مسکن، کار، بهداشت، تعمیم بیمه، تأمین خودکفایی در علوم و فنون و صنعت و کشاورزی کرده است.

<https://www.khabaronline.ir/news/211992>

^۲ سخنان رهبری در تاریخ ۱۳۹۷/۴/۲۴:

ما باید برخورد کنیم بعد برخورد را به مردم بگوییم... بگوییم این کار اتفاق افتاد؛ این خوب است، این درست است... در همین چیزهایی که شرکتهای صوری‌ای که درست کردند و آمدند به‌عنوان اینها ارز گرفتند، دستگاه امنیتی باید دنبال کند، فعال باشد، اینها را شناسایی کند... برخورد جدی بکنید، مردم استقبال میکنند از این برخورد.

و نشر اخبار و تبلیغ گسترده، مقابله‌ی کیفری با آنها را توجیه می‌کند و از این طریق بکارگیری هر وسیله‌ای در سیاست کیفری مباح می‌گردد. از این رو، عوام‌گرایی کیفری به مثابه‌ی ابزاری در دست کنشگران سیاست کیفری است و می‌تواند ابعاد مبارزه کیفری را تحت تأثیر قرار دهد. مهم‌ترین ویژگی‌های سیاست‌های مبتنی بر عوام‌گرایی کیفری، سیاست‌گذاری از رهگذر حرکت‌های توده‌گرا و در فضای احساسی، توجیه سیاست‌های غیر علمی با استناد به خواست و مطالبه عمومی و انتساب ناکامی در کنترل جرم به دشمنان فرضی است. شاخص‌ترین پیامدهای عوام‌گرایی کیفری، تورم قوانین کیفری، تحدید موازین دادرسی عادلانه، افزایش جمعیت کیفری و هزینه‌های نظام عدالت کیفری است. لذا این شاخص‌ها و ویژگی‌ها باید با نگاهی تعادل‌بخش همراه بوده و همزمان به کنترل نتایج اقدام نماید. یکی از مولفه‌هایی که بایستی در کاهش عوام‌گرایی نسبت به جرایم اقتصادی مدنظر قرار گیرد آن است که پوشش‌های رسانه‌ای در دو بُعد نیز پر رنگ گردند؛ اولاً اینکه ارائه اخبار رسانه‌ای از فرآیند کیفری موقتی و مقطعی نباشد. بدین معنا که برخی از موضوعات خاص در ادبیات رسانه‌ای نمود یابند و رسانه ابزار کارزار جبهه‌های مختلف سیاسی تبدیل نگردد. ثانیاً در جرایم اقتصادی تنها مرجع اطلاع‌رسانی سیاست کیفری نیز دولتی نباشد، بلکه منابع جامعه‌ی نیز امکان ورود و پوشش خبری^۱ داشته باشند و از حمایت نیز برخوردار شوند. به علاوه، به نظر می‌رسد که ضرورت دارد تا عملکرد اخبار و رسانه‌ها در جرایم اقتصادی با اتحاد رویه ساماندهی شود و این امر در طرح مبارزه با جرایم اقتصادی مدنظر قرار گیرد. این سامانه‌ها نباید بر تلب مقابله کیفری محض بکوبند، بلکه با نگاهی کارشناسی و تحلیلی، خود به عاملی برای افزایش سواد رسانه‌ای در خصوص سیاست کیفری تبدیل گردند. زیرا جرایم اقتصادی از پیچیدگی‌های بسیاری برخوردار است و در خود جامعه‌ی حقوقی ممکن است به دلیل ابهامات بسیار از این جرایم نوعی کج‌فهمی عاید گردد. لذا سواد رسانه‌ای عمومی-تخصصی و جهت‌دهی علمی به آن می‌تواند با ایجاد مجرای واحد انتشار اخبار مدنظر قرار گیرد.^۲

۴-۱ عدم انجام عملی در سیاست کیفری واحد

^۱ به موجب ماده ۳۳ آئین‌نامه اجرایی نحوه رسیدگی به جرائم اخلاگران در نظام اقتصادی کشور مصوب آبان ۱۳۹۷ «انتشار مفاد حکم محکومیت قطعی با ذکر مشخصات و سمت محکوم علیه با رعایت تبصره ماده ۳۶ قانون مجازات اسلامی، مصوب ۱۳۹۲ در رسانه ملی و یا روزنامه کثیرالانتشار توسط دادگاه الزامی است.»

^۲ نوعی تلاش در جهت ایجاد سواد رسانه‌ای را می‌توان در سخنان دادستان تهران در تاریخ ۱۷ بهمن ۱۳۹۷ مشاهده نمود: «ما اساساً داوطلب هستیم که رسانه‌ها در مبارزه با فساد با ما همکاری کنند؛ یعنی منافذ فساد را بگویند و مفسدین بزرگ را معرفی کنند؛ اما مبارزه با فساد با اینکه به افراد و نهادها نسبت‌هایی داده شود که صحت ندارد متفاوت است و اگر برای مطالب و ادعاهای سندی وجود نداشته باشد، چون پای شاکی خصوصی به میان می‌آید آن فرد تحت تعقیب قرار می‌گیرد.»

با توجه به اینکه نهادها و سیاست حاکم بر هر کدام متفاوت است ممکن است عدم انسجام و یکپارچگی در عملکرد این نهادها، سیاست کیفری پیاده شده را کاملاً متفاوت از آن چیزی که مورد نظر سیاست‌گذار کیفری است نشان بدهد. این عدم انسجام به یک سیاست را می‌توان در فرآیند الحاق به اسناد بین‌المللی کاملاً مشهود یافت. از جمله وضعیت‌های نامشخص کنونسوین پالرمو و اصلاحیه‌های ول و دوم آن، یا بحث از FATF (که خود اقدامی برای شفافیت و کاهش جرایم اقتصادی است) همگی نشان از رویکردهای قانونگذار در پیوستن به مقررات کلان ناظر به جرایم اقتصادی دارد. علاوه بر این افتراق رویکرد در قالب‌های کلان سیاست کیفری، می‌توان در برخی از جزئیات سیاست کیفری نیز تشتت در سیاست قابل مشاهده است. به عنوان مثال طبق ماده ۲۹ قانون آئین دادرسی کیفری، نیروی انتظامی ضابط عام نسبت به همه جرایم محسوب می‌شود. در مورد جرایم اقتصادی نیز ضابطین دادگستری به صورت عام صالح به تعقیب مرتکبین هستند. چنانچه جرایم اقتصادی باعث نقض کلان اقتصاد و ایجاد فساد در آن گردد می‌توان ایفای نقش نیروهای امنیتی از جمله وزارت اطلاعات را به عنوان ضابط متصور نمود. زیرا^۱ زیرا^۱ در این زمینه از جمله می‌توان به ماده ۴ قانون ارتقای سلامت نظام اداری و مقابله با فساد اشاره کرد. طبق این ماده به منظور پیشگیری از شکل‌گیری فساد طبق تعریف ماده (۱) این قانون، وزارت اطلاعات موظف است نقاط مهم و آسیب‌پذیر در فعالیت‌های اقتصادی دولتی و عمومی مانند معاملات و قراردادهای بزرگ خارجی، سرمایه‌گذاری‌های برگ، طرح‌های ملی و نیز مراکز مهم تصمیم‌گیری اقتصادی و پولی کشور در دستگاه‌های اجرائی را در صورت وجود گزارش موثق و یا قرائت معتبر مبنی بر تخلف یا سوءعملکرد، با کسب مجوز قضایی لازم پوشش اطلاعاتی کافی و مناسب بدهد.^۲

^۱ در قانون برنامه پنجم توسعه مصوب دیماه ۱۳۸۹ مجلس شورای اختیارات گسترده تری به وزارت اطلاعات داده شده است. طبق ماده ۲۰۵- وزارت اطلاعات موظف است با هدف دفاع از حاکمیت و منافع ملی و تقویت تعامل با جامعه اطلاعاتی و پیشگیری و مقابله با تهدیدات و تهاجم اطلاعاتی و امنیتی داخلی و خارجی به ویژه استخبار جهانی اقدامات زیر را انجام دهد: الف- ارتقاء کمی و کیفی زیرساخت‌های اطلاعاتی با هدف تحکیم و تقویت امنیت پایدار و فراگیر ب- پیشگیری و مقابله با فساد و اختلال در امنیت اقتصادی، جرایم سازمان یافته ضد امنیتی، اقدامات تروریستی و تهدیدات نرم امنیتی در مقام ضابط دادگستری.

در ماده پیش گفته، وزارت اطلاعات هم در راستای پیشگیری و هم در راستای پیگیری به عنوان ضابط قوه قضاییه اقدام می‌کند و با توجه به قانون جدید مجازات اسلامی، منطقی است که گفته شود تعبیر اخلال در امنیت اقتصادی تنها در زمانی موجب ضابط بودن مأموران اطلاعات می‌شود که جرم در حد افساد فی‌الارض باشد.

^۲ تبصره ۱- وزارت اطلاعات نیز در پرونده‌های فساد مالی کلان ضابطه قوه قضاییه محسوب می‌شود.

همچنین طبق ماده ۲۷ آئین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴، وزارت اطلاعات مسئول مبارزه با قاچاق ارز بوده و با همکاری سازمان‌های ذی ربط اقدام‌های لازم را به عمل خواهد آورد. این در حالی است که آئین نامه صلاحیت پیش بینی ضابط دادگستری را ندارد. این در حالی است که جرایم اقتصادی به لحاظ عدم سهولت کشف که ناشی از رؤیت پذیری آنها می‌باشد، نیازمند مداخله مأمورین و ضابطین ویژه می‌باشد. لازم به ذکر است که دلیل مهم رؤیت ناپذیری آنها نیز ارتکاب در بستر فعالیت شغلی و حضور قانونی مجرمین در صحنه ارتکاب جرم می‌باشد (کورال، ۱۹۹۹، ص ۵۳).

در کنار ضابطین ویژه باید به انتخاب قضات آزموده و متخصص در رسیدگی به جرایم اقتصادی نیز اشاره کرد^۱. صدر ماده ۳۶ کنوانسیون مبارزه با فساد مالی (مریدا) با بیان اینکه: «هر کشور عضو ... اجرای قانون را تضمین خواهد نمود»، انتخاب قضات آزموده و متخصص در زمینه رسیدگی به جرایم اقتصادی را مدنظر قرار داده، از کشورهای عضو خواسته است که علاوه بر ایجاد مراجع تخصصی رسیدگی به این جرایم که بحث آن گذشت، قضاتی را نیز که از حیث علمی و عملی در حوزه جرایم یاد شده دارای تخصص و مهارت لازم می‌باشند به رسیدگی به جرایم مذکور مأمور نمایند.

علاوه بر مقام‌ها و نهادهای فوق الذکر، سیاست کیفری ناظر به برخی از جرایم اقتصادی خود از سازوکارها و نهادهای خاص خود الهام می‌گیرد. از جمله مهم‌ترین این جرایم اقتصادی جرم قاچاق کالا و ارز است. در رابطه با همین جرم مهم قاچاق کالا و ارز، که به موجب ماده ۵۷ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ قاچاق کالا و ارز از مصادیق جرائم اقتصادی محسوب می‌شود، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز^۲ با اعضای بسیاری که دارد، یکی از نهادهای مرتبط با پیاده سازی سیاست کیفری مبارزه با جرایم اقتصادی است.

تبصره ۲- وزارت اطلاعات موظف به پشتیبانی از بانک اطلاعاتی موجود در دبیرخانه است.

در حالی که به نظر می‌رسد که هر جا سخن از اقدام پیشگیرانه است تنها برای مرحله پیش از وقوع جرم است و در صورتی که جرم واقع شد، باید ضابطین عام دادگستری جانشین وزارت اطلاعات شوند.

^۱ پرونده اخلاص گران در نظام اقتصادی کشور در زاهدان نیز با قرائت کیفرخواست ناظر به چهارده متهم نشانگران تحقیقات مختلفی است که قبل از ارسال پرونده به دادگاه صورت گرفته اند.

^۲ ماده ۳ قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۹۲ «به منظور سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی، پیشگیری و مبارزه با قاچاق کالا و ارز، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز متشکل از وزیران دادگستری، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، کشور، امور خارجه، صنعت، معدن و تجارت، راه و شهرسازی، جهادکشاورزی، نفت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا معاونان ذیربط آنان و دو نفر از نمایندگان عضو کمیسیون‌های اقتصادی و قضایی و حقوقی مجلس شورای

۲- بایسته‌های سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی

به نظر می‌رسد که از جمله ویژگی پژوهش‌های اصولی استخراج بایسته‌ها و تدوین اصولی باشد که بتوان به مدد آنها تمام مسیر یک سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی را مشخص و در جهت اجرایی سازی آن اقدام نمود. سیاست کیفری بر مبنای مولفه‌هایی چون مسئولیت کیفری، تعیین نوع مجازات و فرآیندهای آن قابل شناسایی است. علاوه بر اشاره به این موارد در ادامه، لازم است است که نکته‌ی مهمی در اینجا اشاره گردد. بر مبنای مسئولیت کیفری در جرایم مبتنی بر فساد در اسناد بین‌المللی یکی از ارشادات مهم کنوانسیون مریدا تأکید بر فساد سازمان‌های بین‌المللی است (قاسمی، ۱۳۹۵: ۱۵۷). از این رو به مدد این نگاه نمی‌توان نگاه سیاست کیفری را صرفاً حوزه‌های ملی محدود ساخت، بلکه سازوکارهای بین‌المللی سیاست کیفری، جایگاه ویژه‌ای در تحقق بازدارندگی حداکثری برای مرتکبان این جرایم به دنبال خواهد داشت. لازم به اشاره است که نگرش سیاست کیفری، به معنای استفاده‌ی صرف از تدابیر کیفری محض نیست، بلکه بازدارندگی را می‌توان به موجب تدابیر پیراکیفری مختلفی نیز محقق ساخت. به عنوان یکی از مهمترین مصادیق می‌توان به عملیاتی شدن قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسؤولان و کارگزاران جمهوری اسلامی ایران، مصوب ۱۳۹۴، ۸، ۹ اشاره کرد. قانونی که در خردادماه ۱۳۹۸ به موجب آیین‌نامه اجرایی قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسؤولان و کارگزاران جمهوری اسلامی موضوع پیاده سازی قرار گرفت. این قانون، با جهت‌گیری قابل توجه نسبت به یکی از مهم‌ترین مرتکبان جرایم اقتصادی، یعنی مقامات، مسؤولان و کارگزاران به دشوارسازی ارتکاب و مخفی‌سازی اموال ناشی از جرایم مرتبط منتهی می‌گردد.

۱-۲ مدل تکمیلی یا اصیل بودن سیاست کیفری

سوال اول قابل طرح این است که وقتی سخن از سیاست کیفری در جرایم اقتصادی به میان می‌آید آیا این سیاست را باید تنها سیات موردعمل در این جرایم دانست یا سیاست کیفری جایگاهی ثانویه دارد؟ آیا این سیاست کیفری واحد در این جرایم را می‌توان با سیاست‌های دیگری

اسلامی به انتخاب مجلس و رؤسای سازمان‌های تعزیرات حکومتی، جمع‌آوری و فروش اموال تملیکی، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، بازرسی کل کشور، رئیس ستادکل نیروهای مسلح، فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران، رؤسای کل بانک مرکزی و گمرک جمهوری اسلامی ایران، رئیس مؤسسه ملی استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، رئیس اتاق بازرگانی و صنایع و معادن و کشاورزی ایران و معاون اجتماعی و پیشگیری قوه قضائیه و نماینده تام‌الاختیار رئیس قوه قضائیه با ریاست رئیس‌جمهور یا نماینده ویژه وی تشکیل می‌گردد.»

تلفیق نمود و به موجب آن ارتباط این سیاست کیفری با دیگر سیاست‌های غیر کیفری چگونه برقرار می‌شود؟ به همین دلیل لازم است تا با نگاهی به مقررات مختلف ناظر به جرایم اقتصادی، مدلی که از سوی قانونگذار پیش‌بینی شده است تحلیل و ارزیابی گردد. به نظر می‌رسد که با نگاهی به تمام مقررات می‌توان دریافت که لزوماً قانونگذار در صدد معرفی یک مدل واحد نبوده، هرچند نوع سیاست حاکم بر این مبارزه‌ی کیفری از سیاست و تفکر سیاسی واحدی تبعیت می‌کند. بحث فنی را می‌توان به این نگاه دقیق رهبری آغاز نمود: به اعتقاد من مرکزی که باید مبارزه با مفاسد اقتصادی را دنبال کند، دولت است و قوه قضائیه در مرحله آخر قرار می‌گیرد! با دقت در این کلام می‌توان دریافت که دقیقاً بحث مقابله‌ی با جرایم اقتصادی و یا بحث فساد اداری اقتصادی، مستلزم نگاه ابتدایی به اعمال وظیفه‌ی دولتی است. مدل توسل به قوه قضائیه‌ی اعمال کننده‌ی سیاست کیفری در آخرین مرحله بسیار مدلی دقیق است و معایب بسیار پائینی دارد. در این مدل، برخورد با هدف ایجاد امنیت اقتصادی صورت می‌گیرد؛ مولفه‌ی ای که در سخنرانی رهبری در تاریخ ۱۳۸۶/۴/۷ به آن اشاره شد: بعضی خیال می‌کنند - یا این جور وانمود می‌کنند که خیال کرده‌اند - که برخورد با مفاسد اقتصادی، محل امنیت اقتصادی است. این عکس قضیه است؛ این درست نقطه‌ی مقابل حقیقت است. برخورد با مفسد اقتصادی موجب امنیت اقتصادی است برای غیرمفسد. غیرمفسد کیست؟ اکثریت مردم. لذا برای امنیت اقتصادی باید برخورد کرد و این برخورد اولاً و بالذات وظیفه‌ی دولت است، پس از آن نیز چنانچه دولت موثر ظاهر نشد می‌توان ایفای نقش قوه قضائیه را به رسمیت شناخت. هرچند که به نظر می‌رسد برای اعمال وظایف این دو نهاد باید مراتبی قائل بود. در این مدل و قائل شدن مراتب برای آن باید از افتراقی‌سازی سیاست کیفری سخن گفت. بر اساس این نگاه افتراقی می‌توان چنین تبیین نمود که در برخی از مصادیق کلان اقتصادی، نگاه به عملکرد اولیه‌ی نظام دولتی کارساز به نظر نمی‌رسد و مستقیماً عملکرد قوه قضائیه مورد حمایت است. در این نوع تأکید که به طور ویژه می‌توان آن را در دستورالعمل اخیر ریاست قوه قضائیه مشهود یافت، گاهی فسادزا بودن الگوهای دولتی هم عاملی مهم برای رجوع مستقیم به سیاست کیفری قضایی است. لذا بر اساس نوع جرایم اقتصادی، حوزه‌های موضوعه و شدت آنها سیاست کیفری توجیه می‌شود که به نظر می‌رسد این مصادیق افتراقی مستلزم سیاست کیفری باید کاملاً مشخص شوند. فسادهای بانکی کلان، جرایم علیه بیت المال، جرایم با بزه دیده‌ی حداقل صد نفر و غیره می‌تواند معیارهای آشکار ساز دامنه سیاست کیفری باشند.

بر این اساس به نظر می‌رسد که در تعیین سیاست کیفری نظام مند، نباید به یک نظام صفر و یکی محض توسل نمود. اینکه در این مدل یا ابزار مبارزه نظام دولتی است و یا ابزار مبارزه نظام قضایی باشد، لزوماً کارساز نیست. زیرا ماهیت جرایم اقتصادی بر پیچیدگی و چندبعدی بودنشان مجال نگاه تک بعدی به سیاست قابل اعمال در برابر جرایم اقتصادی را نمی‌دهد. بر این مبنا، می‌توان ترکیبی سازی اقدامات از دولتی تا قضائی را موضوع مهم این مدل سیاست دانست. عدم ترکیب صحیح و مضاعف ساختن مشکلات ساختاری و مدلی را می‌توان در ماده ۱ از طرح مبارزه با جرایم اقتصادی به این شکل مشاهده نمود « سازمان مبارزه با جرائم اقتصادی که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می‌شود، شامل دادسرا و دادگاه‌های کیفری اقتصادی و مرکز پیشگیری، کشف و پیگیری جرایم اقتصادی زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود. تشکیل این سازمان نافی اختیارات و وظایف سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و سایر دستگاه‌های قانونی نخواهد بود ». به نظر می‌رسد که سازمان سازی انفرادی و غیرترکیبی بر مشکلات می‌افزاید و خود به برخورد جزیره ای و غیراصولی منتهی می‌شود. با این وجود و قبل از همه این راهبردها باید عنوان نمود که مدل دولتی محض در ایران یا به دلیل عدم اعتقاد به برخورد قاطع و یا به دلیل ناتوانی و نبود زیرساخت‌ها چندان اجرایی نشده است، هرچند که مهمترین نهاد دولتی پیاده ساز سیاست کیفری در برخی از جرایم اقتصادی سازمان تعزیرات حکومتی و ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز است. بر این اساس، مفهوم جرم بودن اگرچه وجودش لازم است، اما عاملی می‌شود برای محدودیت ورود مدل دولتی به مبارزه کیفری با جرایم اقتصادی.

۲-۲ اکتفا به کیفر یا توسل به دیگر واکنش‌ها اداری-مدنی

سوال بسیار مهم و دغدغه ساز در سیاست کیفری جرایم اقتصادی این است که چنانچه بنا باشد در مدل سیاست کیفری، کنشگر این مدل اقدام به واکنش به جرم اقتصادی برآید، ابزار وی تنها و تنها باید کیفر باشد؟ آیا سیاست کیفری تنها با کیفر قابل تصور است؟ آیا این کیفر می‌تواند دامنه‌ای از واکنش‌های دیگری را در خود داشته باشد و در عین حال بتواند با حفظ مراتب بازدارندگی موردنظر را نیز محقق نماید؟ خواه در جرایم اقتصادی محض علیه دولت، خواه در جرایم اقتصادی علیه بزه دیدگان مشخص، خواه در جرایم علیه بیت المال نوع واکنش باید از چه دامنه‌ی تنبیهی برخوردار باشد و وضعیت کنونی سیاست کیفری چیست؟ به منظور تبیین عملی از این بحث دو مثال مهم از مصادیق جرم اقتصادی اشاره می‌شود. به عنوان مثال کلاهبرداری کلان و اخلال در نظام اقتصادی از سوی شخصی به اعتبار سکه‌های ثامن و دستگیری وی این

سوال را به ذهن متبادر می‌کند که هدف از فرآیند امنیتی، سیاسی، قضایی و دولتی ناظر به این بزه‌کار چیست؟ آیا صرفاً مجازات دهی است؟ یا در پرونده‌ی سیدها یا سادات در استان خوزستان که در سال ۱۳۹۳ به مرحله اجرای احکام رسید. این پرونده یکی از بزرگترین پرونده‌های فساد اقتصادی کشور بوده که افرادی با سوءاستفاده از عنوان سادات، از مردم مبالغی را با این بهانه که ظرف مدت کوتاهی سود فراوان حاصل از این سپرده‌ها را به آن‌ها بازمی‌گردانند، دریافت کرده که در پی تحقق نیافتن وعده آن‌ها، شکایاتی از سوی زیان‌دیدگان به دستگاه قضایی ارائه شد. این پرونده ۱۴۰ هزار شاکی داشته است و حکم به زندان و فروش اموال شناسایی شده و تحویل آن به مالباختگان از احکام آنها بود. یا در مثال مهم دیگر پرونده‌های مرتبط با موسسه‌های مالی غیرمجاز است که در نهایت بزه‌دیدگان بسیاری را در جامعه بوجود آورد. آثار منفی عدم بازپرداخت سپرده‌های مردم توسط این موسسات به طور مستقیم و غیرمستقیم، زندگی میلیون‌ها ایرانی را تحت تاثیر قرار داد که زمینه ساز آغاز تظاهرات اعتراضی گسترده در دی ماه ۱۳۹۶ شد. بر اساس تصمیمات سران سه قوه، به همه سپرده‌گذاران مبلغ مشخصی از اصل سپرده‌شان پرداخت شد و اردیبهشت ۱۳۹۷ اعلام گردید که تا سقف یک میلیارد تومان از اصل سپرده‌ها و با حذف سود سپرده، پرداخت خواهد گردید و بازپرداخت مابقی سپرده‌ها منوط به شناسایی دارایی‌های بیشتر از این موسسات می‌باشد. به نظر می‌رسد که حجم قابل توجه مالباختگان در برخی از پرونده‌های مرتبط با جرایم اقتصادی، مجال عملکرد جبرانی را بسیار مهم‌تر از کیفرگرایی مفرط می‌سازد، یا حداقل اینکه این دو بعد به یک اندازه مهم پیش روند. نگاه جبرانی به مالباختگان هم به نظر می‌رسد که نیازمند سازوکار مشخص‌تر و متفاوت‌تری از فرآیند کیفی‌دهی تدوین شود. اینکه در مقررات دادرسی کیفری جبران خسارت تابعی از رسیدگی کیفی باشد، حداقل در جرایم اقتصادی نیازمند بازاندیشی ساختاری است. بر این اساس می‌توان احراز اولیبه از انتساب جرم به بزه‌کاران اقتصادی را عاملی برای آغاز فرآیند جبرانی تلقی نمود و با اعلام عمومی از دعوت بزه‌دیدگان و دریافت مستندات مربوطه نسبت به جبران اقدام نمود.^۱ همچنین می‌توان

^۱ به عنوان مثال با نگاهی به همین سخنان دادستان تهران در پرونده موسسه‌های مالی غیرمجاز می‌توان موانع قانونی اقدام به فعالیت‌های جبرانی را مشهود یافت «دادستان تهران در رابطه با درخواست پرداخت بخشی از مطالبات مالباختگان از طریق فروش اموال شناسایی شده اظهار کرد: میزان طلبی که مالباختگان مدعی هستند بیشتر از مالی است که توقیف گردیده و اگر بخواهیم این مال را ضبط کنیم باید توسط دادگاه ضبط شود. اگر بخواهیم اکنون توزیع کنیم باید به نسبت سهام و طلب افراد پرداخت کنیم، لذا مشخص نیست که به همه به صورت یکسان پرداخت شود. در این خصوص پیشنهاد دادیم که دادسرا پرونده را زودتر

با ایجاد صندوق ویژه جبران خسارت در جرایم اقتصادی، توانمندی نظام قضایی را در جهت جبران خسارت حداکثری از این جرایم را پیشنهاد نمود. این صندوق لزوماً در سیستم قضایی قرار نمی‌گیرد، بلکه با اختصاص ردیف بودجه در میان سه قوه و هدایت پرداختی‌های بزهکاران جرایم اقتصادی به جزای نقدی به این صندوق، موجودی آن را به شکل قابل توجهی برای حالت‌های جرایم اقتصادی با بزه دیدگان مشخص را افزایش داد.^۱ به علاوه اینکه، گاهی سازوکار کیفی بر سازوکار واکنش اداری نیز سایه می‌افکند. به نظر می‌رسد توقیف فعالیت‌های مجرمانه اقتصادی نه لزوماً با ابزار کیفی و سازوکار قضایی، می‌تواند بوسیله مشارکت دولتی و با افزایش نظارت سازمان یافته در عرض و یا حتی مقدم بر فرایند جبرانی و کیفی در اولویت قرار گیرد.

۳-۲ سخت‌گیرانه‌گرایی کیفی مطلق یا نسبی و عدم ارفاق در تعیین کیفر

در ایران، جرم اقتصادی بودن به مبنایی برای برخورد شدیدتر تبدیل شده است و مجال هر نوع ارفاقی را از بین برده است. اما همانطور که پیش از این بر ضرورت مقابله‌ی دقیق و کنترل کیفی نظام مند تأکید شده است، نمی‌توان همه‌ی جرایم اقتصادی را مشمول همان نظام پاسخ-دهی به جرایم اقتصادی شدید دانست و حتی می‌توان چنین عنوان نمود که باید میان جرایم اقتصادی قائل به افتراقی شدن بود و بسته به نوع آن جرم اقتصادی سیاست کیفی متفاوتی را اتخاذ نمود. این نظر، می‌تواند الهام بخش لزوم تفاوت در سیاست کنترل کیفی میان انواع جرایم اقتصادی باشد. با نظر به قانون مجازات اسلامی ۱۳۹۲، جرایم اقتصادی، به استناد بند ج ماده ۴۷ از شمول تعویق صدور حکم و تعلیق اجرای مجازات و به استناد بند ب ماده ۱۰۹ از شمول مرور زمان مستثنی هستند. علاوه بر این، می‌توان تبصره ماده ۳۶ ق.م.ا. مبنی بر انتشار حکم محکومیت^۲ را تا اندازه‌ی بر مبنای عدم ارفاق به جرایم اقتصادی دانست. این عدم ارفاق‌گرایی را

به محکمه ارسال کنند تا دستور رد مال صادر شود که دادسرا و دادگاه بتوانند در مرحله اجرای حکم بر اساس مال مقطوع که قابل فروش است تصمیم‌گیری کند تا حقی از فردی ضایع نشود.»

<http://rahbordemoaser.ir/fa/news/4297>

^۱ به عنوان مثال اختصاص حجم قابل توجهی از جزای نقدی تعیین شده در پرونده دو پزشک متخصص در استان اصفهان می‌تواند از جمله این مثال‌ها باشد. این دو پزشک در بهمن ماه ۱۳۹۷ به دلیل اخلال در نظام اقتصادی کشور به ترتیب به ۲۰ و ۱۰ سال زندان قطعی و پرداخت ۱۲۰ میلیارد تومان جریمه محکوم شدند. این دو به اتهام اخلال در نظام اقتصادی کشور از طریق قاچاق تجهیزات پزشکی، ایمپلنت‌های اسکلتی و پروتز به ۲۰ سال حبس قطعی و پرداخت یکپزار و ۲۰۰ میلیارد ریال جزای نقدی محکوم شدند.

^۲ از جمله بدیهیات حقوق کیفی کسب و کار این است که انتشار حکم محکومیت نوعی خدشه به اصل اعتماد و روابط مشتریان با شرکت خاطی قلمداد می‌شود (جعفری، امین، حقوق کیفی کسب و کار، پیشین، ص ۱۲۳)

می‌توان در قالب ملاحظاتی چون حاکمیت رویکرد امنیت مدار نسبت به جرایم اقتصادی توجیه نمود. با توجه به همین امر و لزوم تفکیک مفهومی و عملی از انواع جرایم اقتصادی، می‌توان عدم لزوم تفکر امنیت مدار نسبت به جرایم کسب و کار را برداشت نمود. از همین رو به نظر می‌رسد می‌توان نوعی افتراقی شدن انتشار حکم محکومیت در مصادیق مختلف جرایم حوزه‌ی کسب و کار را پیشنهاد داد و به موجب آن هر رفتار اشخاص حقیقی و یا حقوقی مشمول موارد مقرر انتشار حکم نگردد. همچنین به موجب ماده ۱۸ از آخرین نسخه طرح مبارزه با جرایم اقتصادی ۱۳۹۷/۵/۱۶ «اعمال مقررات راجع به نهادهای ارفاقی از جمله تعلیق تعقیب، مرور زمان، تعویق صدور حکم، تعلیق اجرای مجازات، معافیت از مجازات، تعیین مجازات جایگزین حبس، نظام نیمه آزادی، آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و یا قرار بایگانی پرونده در جرائم اقتصادی در صلاحیت سازمان^۱ ممنوع می‌باشد» برای مطالعه‌ی بیشتر در خصوص جنبه‌های شکلی این طرح ر.ک خواجه نوری و موسوی، ۱۳۹۷: ۱۳۷-۱۰۵). نگاهی که به نظر می‌رسد به دلیل اطلاق و گستردگی و شمول تمام مصادیق جرایم اقتصادی و عدم التزام به نگاه افتراقی میان مصادیق جرایم اقتصادی دارای ایراد است. زیرا به نظر می‌رسد که گاه می‌توان با لحاظ ارفاق و تعیین برخی از دستورها و تعهدات برای بزهکاران، امنیت اقتصادی را بهتر محقق ساخت.

نتیجه‌گیری

پراکندگی مقررات حوزه مبارزه با جرایم اقتصادی از جمله آسیب‌های مهم نظام حقوقی ایران است. این امر باعث می‌شود که دیگر انتظار یک سیاست واحد را نداشته و سیاست‌های مختلفی که در مقررات متفاوت آمده‌اند، خود نوعی تشتت در عملکرد را در پی داشته باشند. همین مولفه باعث خواهد شد که سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی به عنوان یک سیاست نامتوازن و گاه نامعلوم و پر ابهام و در بدترین عنوان سیاستی شکست خورده لقب بگیرد. لذا پیشنهاد قانون جامع رسیدگی کیفری به جرایم اقتصادی یا قانون مبارزه با جرایم اقتصادی که اخیراً در طرح مبارزه با جرایم اقتصادی در حال پیگیری است- می‌تواند با نسخ تمام مقررات مرتبط با جرایم اقتصادی، انسجام را به حوزه‌ی سیاست کیفری ناظر به جرایم اقتصادی برگرداند. با این وجود در طرح اخیرالذکر تلاشی برای نسخ حجم انبوه مقررات پیشین مرتبط با جرایم اقتصادی صورت

^۱ به موجب ماده ۱ طرح مبارزه با جرایم اقتصادی «سازمان مبارزه با جرائم اقتصادی که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می‌شود، شامل دادسرا و دادگاههای کیفری اقتصادی و مرکز پیشگیری، کشف و پیگیری جرایم اقتصادی زیر نظر رئیس قوه قضائیه تشکیل می‌شود. تشکیل این سازمان نافی اختیارات و وظایف سازمان بازرسی کل کشور، دیوان محاسبات و سایر دستگاه‌های قانونی نخواهد بود».

نگرفته است و به نظر می‌رسد که این قانون خود ب تأکید صرف بر فرآیند دادرسی کیفری و بی‌توجهی به لزوم تشتت قانونی مرتبط با جرم انگاری با انتقادات فراوانی روبه‌رو خواهد شد. لذا اگر بنا بر تصویب قانونی جامع برای مبارزه با جرایم اقتصادی است، اولویت را باید به یکپارچه سازی مقررات کیفری اعطا نمود که بتوان با یک دسته بندی مشخص از جرایم اقتصادی ذاتی و جرایم اقتصادی پیرامونی یا فرعی یا تسهیل کننده حجم بسیار پراکنده‌ی قوانین جرم انگار را کاهش داده و سامان بخشید. زیرا معصل اساسی بحث دادرسی کیفری موردنظر در این قانون نیست، بلکه اولویت مباحث ماهوی ناظر به جرایم اختلاط ارکان آن مصادیق مجرمانه اقتصادی است. در کنار این جرم انگاری می‌توان با لحاظ قواعد دستورالعمل رئیس سابق قوه قضائیه مصوب ۱۳۹۷ و همچنین ارجاع بسیاری از مواد ناظر به تشریفات دادرسی کیفری به قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ از حجم مواد متعددی از این قانون کاست. تا از این طریق بتوان به موضوع مهم دیگری، یعنی پیشگیری و حذف زمینه جرم زای مصادیق مجرمانه اقتصادی پرداخت. الگویی که در قانونی چون قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۹۲ نیز رعایت شده است. آنچه بسیار مهم است - و کمتر در تحقیقات دیگر بدان پرداخته شده است - این است که تدوین یک سیاست کیفری مستلزم طی مراحل مختلف است؛ اولاً اینکه مقدم بر سیاست کیفری راه‌حل‌های غیرکیفری مرتبط با برگرداندن سلامت و پویایی و اعتماد به فضای اقتصادی پی گرفته شوند و ثانیاً جرایمی که واقعا ماهیتی اقتصادی دارند از جرایم چندبُعدی و همچنین جرایم اقتصادی خفیف از جرایم اقتصادی شدید تفکیک گردند و نسبت به هر کدام یک سیاست کیفری افتراقی اتخاذ شود. بر این اساس، می‌توان مقدم بر تمام این جزئیات سیاست کیفری، مدل حاکم بر این سیاست را به طور مشخص تدوین نمود و مشخص کرد که سیاست کیفری لزوماً نمی‌تواند قضایی محض باشد، زیرا جرایم اقتصادی چندبُعدی هستند و تک بعدی در سیاست کیفری قضایی نمی‌تواند رضایت اجتماعی از عملکرد قضایی را به دنبال داشته باشد. لذا برقراری ارتباط متقابل میان تمام نهادهای مرتبط با پیاده سازی سیاست کیفری و همسو سازی سیاست‌ها و شیوه‌ی عملکرد از جمله پیشنهادات اساسی است تا به موجب آن بتوان نسبت به ایجاد انسجام در مبارزه کیفری با جرایم اقتصادی اقدام نمود. علاوه بر این، ناپیوستگی در مطالعات حقوقی نظام مند در تدوین سیاست کیفری ضرورتی دوچندان دارد و یک سیاست بدون مطالعه‌های اصولی متخصصان به منصفه عملیاتی شدن نمی‌رسد. زیرا به نظر می‌رسد که گاه سیاست‌های کیفری شتابزده، اگرچه بتوانند مسکن موقتی بر ضررهای اقتصادی هنگفت مردم تلقی شوند، اما در طولانی مدت سودی را نمی‌تواند متوجه متضرران از جرایم اقتصادی نماید. به این تعبیر که سیاست کیفری جرایم اقتصادی در دو مثال اخیر اقدام

سلطان سکه و یا دستگیری عامل سکه نامن، باید نوعی تعادل میان منافع کسانی که متضرر شده اند و همچنین تمام جامعه برقرار نماید؛ امری که شیوه و راه حل آن خود می تواند محور مطالعات و پژوهش های تخصصی دیگری باشد.

نتیجه‌ی مهم دیگر آن است که سیاسی شدن تأمین امنیت در برابر جرایم اقتصادی می تواند آثار مخربی را در پی داشته باشد که از جمله مهم ترین آنها مصلحتی شدن مقابله با برخی از جرایم اقتصادی و معاف دانستن برخی مرتکبان از این سیاست کیفری می باشند. لذا پیشنهاد می شود که در این قالب، سیاست تا اندازه‌ی کنترل شده ای وارد رویکرد تأمین امنیت اقتصادی در برابر جرایم اقتصادی بشود تا مقبولیت اقدامات سیاست گذاران کیفری با انگ های ناروا همراه نگردد. به لحاظ حقوقی یک سیاست کیفری افتراقی مرتبط با جرایم اقتصادی می تواند در ابعاد مختلف جبرانی و اداری تفاوت ویژه ای با سایر جرایم عادی داشته باشد و کمی بازاندیشی در مقررات سنتی بویژه در بحث جبران خسارت های ناشی از جرایم می تواند اهمیت خاصی داشته باشد. این در حالی است که با مطالعه‌ی طرح مبارزه با جرایم اقتصادی، صرفا همان مقررات با اندکی غلبه سخت گیرانه گرایي و امنیت شدن مشاهده می شود، بی آنکه تحول مقررات به سمت مطالعه‌ی شیوه های احیای امنیت اقتصادی بوسیله‌ی سیاست کیفری باشد. پیش بینی صندوق مالی جبران خسارت از مالباختگان جرایم اقتصادی و اصلاح برخی مقررات شکلی دادرسی مانع در این زمینه می توان راهکاری جزئی تلقی شود.

منابع

- ۱- ابراهیمی، شهرام و مجید صادق نژاد نائینی (۱۳۹۲)، تحلیل جرم شناسختی جرایم اقتصادی، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۵، زمستان،
- ۲- برومند، فاطمه (۱۳۹۲)، ارزیابی بازدارندگی مجازات حبس، جزای نقدی و تعلیق در جرایم نظامی، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی،
- ۳- توسلی زاده، توران (۱۳۹۲)، پیشگیری از جرایم اقتصادی، انتشارات جنگل، چاپ اول،
- ۴- توحیدی فرد، محمد (۱۳۸۰)، فرآیند جهانی شدن حقوق کیفری، مدرس علوم انسانی، دوره پنجم، شماره ۴،
- ۵- پرادل، ژان (۱۳۸۳)، به دنبال جهانی شدن حقوق کیفری، پژوهش حقوق عمومی، دوره ششم، شمار ۱۱،
- ۶- حق پناهان، عباس (۱۳۹۲)، بررسی سیاست جنائی ایران در حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات بهنامی،

- ۷- خدائیان چگنی، ذبیح الله (۱۳۹۱)، بررسی تطبیقی نهادهای نظام عدالت کیفری فرانسه و ایران در مقابله با جرایم اقتصادی، فصلنامه مطالعات حقوقی، دوره چهارم، شماره ۲، پاییز و زمستان،
- ۸- خواجه نوری، یاسمن و سیدپوریا موسوی (۱۳۹۷)، چالش‌های بنیادین فراروی طرح مبارزه با جرایم اقتصادی، در: نیازپور، امیرحسن (به کوشش)، سیاست جنایی در برابر بزهکاری اقتصادی، نشر میزان، چاپ اول،
- ۹- دعاگویان، داوود (۱۳۹۲)، مطالعه تطبیقی پلیس اقتصادی کشورهای مدل؛ تدوین الگویی برای پلیس اقتصادی ایران، مجله پژوهش‌های اطلاعاتی جنایی، سال هشتم، شماره ۴، زمستان،
- ۱۰- ساکی، محمدرضا (۱۳۹۰)، حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات جنگل، چاپ دوم،
- ۱۱- سرکشیکیان، سیدمحمدحسین (۱۳۸۸). سازوکارهای مبارزه با مفاسد اقتصادی در نظام حکومتی امام علی (علیه السلام)، کارگاه آموزشی قوه قضائیه، دوره دوم، سال اول.
- ۱۲- سلطانی، محمد (۱۳۹۵)، حقوق بانکی، نشر میزان، چاپ دوم،
- ۱۳- لوک بچر، ژان و نیکلاکتوز (۱۳۸۶)، جرم اقتصادی و کنترل آن ترجمه شهرام ابراهیمی، مجله حقوقی دادگستری، دوره هفتاد و یکم، شماره ۶۱، زمستان،
- ۱۴- گسن، رمون (۱۳۹۳)، جرم شناسی جرایم اقتصادی، ترجمه شهرام ابراهیمی، نشر میزان، چاپ دوم،
- ۱۵- فرجیها، محمد و محمد باقرمقدسی (۱۳۹۰)، رویکرد عوام گرایی کیفری به جرائم جنسی (مطالعه تطبیقی)، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دور ۱۵، شماره ۲،
- ۱۶- قاسمی، مهدی (۱۳۹۵)، فساد و مسئولیت کیفری کارمندان سازمان‌های دولتی، در: مجموعه مقالات همایش کنوانسیون سازمان ملل متحد برای مبارزه با فساد: دستاوردها و چالش‌ها، نشر میزان، چاپ اول،
- ۱۷- مجیدی، سید محمود (۱۳۸۸)، جلوه‌های ظهور حقوق کیفری امنیت مدار در فرانسه، فصلنامه مطالعات حقوق خصوصی، دوره ۳۹، شماره ۲، تابستان،
- ۱۸- محبی، جلیل (۱۳۸۶)، شدت و قطعیت مجازات‌ها در حقوق ایران، فقه امامیه و قانون جزای چین، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه امام صادق (ع).
- ۱۹- مختاری، محمد، ماهیت جرم اقتصادی؛ ارائه درس حقوق کیفری اقتصادی دانشگاه شهید بهشتی. در حال چاپ.
- ۲۰- معاونت آموزش قوه قضائیه (۱۳۸۷)، سیاست جنایی تقنینی ایران در جرایم اقتصادی، انتشارات جنگل، چاپ اول.
- ۲۱- مهدوی پور، اعظم (۱۳۹۰)، سیاست کیفری افتراقی در قلمرو بزهکاری اقتصادی، نشر میزان، چاپ اول.

- ۲۲- میرزایی مقدم، مرتضی (۱۳۹۰)، نظریه بازدارندگی مجازات‌ها و جایگاه آن در نظام حقوقی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبائی،
- ۲۳- میرسعیدی، منصور و محمود زمانی (۱۳۹۲)، جرم اقتصادی؛ تعریف یا ضابطه، فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، سال دوم، شماره ۴، پاییز،
- ۲۴- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۶). خلاصه تقریرات حقوق کیفری اقتصادی، دوره کارشناسی ارشد دانشگاه شهید بهشتی، ویرایش فاطمه قناد و امین جعفری، نیم سال دوم
- ۲۵- نیازپور، امیرحسن (۱۳۹۶)، درس گفتار حقوق کیفری اقتصادی، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی، چاپ اول،
- 26- Agha, Salman & Das. Rituparana (2013), "Study of Economic Crimes in India with Special Emphasis on Financial Market Crimes and Control Measures" <http://ssrn.com/abstract=2340506>
- 27- Alvesalo, A. (2003), "The dynamics of economic crime control", PhD thesis, University of Turku, Turku
- 28- Croall, Hazel (1999) Invisible crimes, their victims and their regulation, white-collar crime: an overview and Discussion, Macmillan Press LTD,
- 29- Ghitescu, Filip R & Mihai Banciu (2001), "Economic Crime in Romania", *The Journal of Social, Political, and Economic Studies*, Vol. 26, No. 4,
- 30- Grabosky, Peter (2001), "The Prevention and Control of Economic Crime", Peter
- 31- Ndiva Kofele-Kale, (2012). *Combating Economic Crimes*, Routledge,